



چکیده:

مجله پایتخت کهن، در شماره ۲۳، ۱۳ تیر ۱۳۹۴ مطلبی از آقای جواد سلیمانی منتشر کرد تحت عنوان «رمضان، ماه نزول وحی در مرتبه‌ای متفاوت» که سایت ندای آزادی نیز اقدام به درج آن نمود. این مقاله به تبیین نزول قرآن به صورت تدریجی و دفعی می‌پردازد، و در انتها نتیجه می‌گیرد که «آنچه که بصورت دفعی نازل شده تنها مفاهیم بوده است بدون جزئیات و کلمات و جملات. در نزول دفعی تنها مفهوم بر پیامبر وضوح داشته ولی جزئیاتش مشخص نبوده و از بار آن کاسته شده بود تا حضرت ختمی مرتبت توان دریافت آن را داشته باشد...». مطلب زیر توضیح دکتر سید علی اصغر غروی است بر دو نکته اساسی در این مقاله، اول توضیح چگونگی نزول قرآن است به صورت تدریجی و دفعی، یعنی بیان دو لغت «تنزیل و انزال». و دوم بررسی زمان نزول قرآن و تفسیر آیه ۱۸۵ سوره بقره: **شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ** می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: قرآن - تنزیل - انزال - رمضان - آیه ۱۸۵ بقره - سید علی اصغر غروی - جواد

سلیمانی - وحی - پیامبر - تدریجی - دفعی

بی‌هیچ مقدمه‌یی می‌خواهم حاشیه‌یی کوتاه بر مقاله معنوی جناب جواد سلیمانی بزنم. ضمن تأیید محتوای کلی مقاله و آنچه راجع به غیب ندانستن رسول خدا گفته‌اند، و نیز تأیید شأن نزول آیات، که فرود دفعی قرآن را مخدوش می‌سازد، و مشکل در گونه وحی همچنان لاینحل باقی می‌ماند. حقیر با بهره‌گیری از آیات مورد استناد نویسنده، و افزودن چند آیه دیگر، می‌خواهم به رفع این مشکل بپردازم. اگر قرآن در ماه رمضان نازل شده باشد، بدین معنا است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باید در ماه رمضان به نبوت مبعوث شده باشد، درحالی‌که روز بیست و هفتم رجب را همه مسلمانان، متواتراً، روز بعثت پیامبر(ص) می‌دانند، که با نزول اولین آیه، مقام رسالت و شأن نبوت خود را از سوی خالق هستی دریافت می‌کند؛ **اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ**. و البته مراد از «اقرأ»، خواندن قرآن است بر مردم، جهت دعوت به هدایت. چنانکه در آیات دیگر هم مشتقات این واژه مذکور است به همین معنی؛

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ وَرَبِّكَ (۱۸ قیامت)

هرگاه خواندیمش از خوانش آن تبعیت کن.

و نیز؛ **«وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا»** (اسراء ۱۰۶)

و قرآنی که به تفریق و از هم جدایش ساختیم تا بخوانیش بر مردمان به درنگ و آهنگی.

و نیز؛ **وَ لَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا** (طه ۱۱۴)

و شتاب مگیر برخواندن (قرآن - یا دریافت آن)، پیش از آنکه وحیش بر تو جاری گردد، و بگو ای پروردگار من! بیفزای بر من دانشی را.

و در آیه ۲۳ سوره انسان می‌گوید؛



إِنَّا نُنزِّلُ الْقُرْآنَ عَلَيْكَ تَنْزِيلًا

همانا ما (تدریجاً) قرآن را بر تو نازل کردیم به نزولی تدریجی.

می‌دانیم که یکی از معانی باب تفعیل، «تدریج» است و باب افعال «یک مرحله و یک بار»، که در چند آیه لفظ «انزال» از باب افعال آمده است از جمله **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا** (۲ یوسف/ ۲۸ زمر / ۳ زخرف/ ۱۱۳ طه). از سوی دیگر این را هم می‌دانیم که یک آیه از قرآن، «قرآن» نامیده شده، و تمامی قرآن هم به اسم «قرآن» خوانده شده است.

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (نحل ۹۸)

پس هرگاه قرآن را خواندی، پس به خدا پناه ببر از شیطان رانده شده.

وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا (اسراء ۴۵)

و هرگاه قرآن را خواندی، بنهادهیم میان تو و میان آن کسان که ایمان به آخرت ندارند پرده بی‌ناپیدا.

... وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوَّا عَلَىٰ أذْبَانِهِمْ نُفُورًا (اسراء ۴۶)

و هرگاه یاد کردی پروردگارت را در قرآن، به یگانگیش (وحدانیتش)، به بیزارى بر پشت‌هاشان روی برتافتند. (روی برتافتند و پشت کردند)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا

(فرقان ۳۲)

و گفتند آنان که کافر شدند چرا نازل نشد (بر او) قرآن به یک باره، اینچنین است تا دلت را بدان ثابت گردانیم و (از اینرو) آن را به تدریج و شمرده تلاوتش کردیم.

جالب اینجاست که خدای تعالی پرسش کافران را در باب تفعیل مطرح می‌سازد که معنای تدریج دارد، تا شکفتی خود را بنمایاند که؛ مگر می‌شود آنچه که خود به تدریجی بودنش اعتراف دارید، و می‌گویید: «لَوْلَا نُزِّلَ»، یکباره فرود آید؟! شما کافران که لفظ «تنزیل» را بکار می‌برید، حاکی از آنست که می‌دانید فرود ناگهانی پیام الهی امکان پذیر نیست! پس چرا درخواست فرود ناگهانی را می‌نمایید؟!

وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ (نمل ۶)

و همانا تو (ای پیامبر) فرا می‌گیری قرآن را از نزد حکیمی که علیم است.

همه این آیات حکایت از آن دارد که؛ یک آیه از قرآن، و نیز تمامی قرآن، در کتاب خدا، «قرآن» است، به معنای «خواندن»، و همچنین مجموعه‌یی است که پیوسته خوانده می‌شود. و این مفاهیم در آیات عدیده مذکور است. از سوی دیگر، یکی از معانی باب «افعال» انجام کار است در یک بار. بناءبراین «انزال» هم که از همین باب است، برای مجموعه آیات یا سوره‌هایی بکار رفته که به یکباره فرود آمده‌اند. مثلاً چند آیه‌یی که در سوره علق، برای اولین بار بر رسول خدا (ص) نازل گشته «انزال» است. و اما مراد از نزول تدریجی قرآن، دسته دسته آیاتی است که متناوباً بر پیامبر اکرم (ص) فرود می‌آمده است، و آن را، در لغت عرب، از باب «تفعیل» آورده «تنزیل» ش گویند.

نتیجه‌یی که می‌خواهم از این توضیحات بگیرم، آنکه قرآن، نه ذکرأ و نه مفهوماً، نزول دفعی بر پیامبر اکرم (ص) نداشته است، و روز آغازین نزول تنزیلی و انزالی آن، همان ۲۷ رجب سیزده سال قبل از هجرت بوده است.

پس در ماه رمضان و لیالی قدر هیچ اتفاقی در این خصوص رخ ننموده. اما اشکال از بدفهمی در حرف جرّ «فی» بروز کرده است که در آیه ۱۸۵ سوره بقره؛ **شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ**، آمده است.

یکی از معانی «فی» یعنی «در»، هم در زبان عربی و هم فارسی، به معنای «درباره» می‌باشد. چند مثال از قرآن کریم:

وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ ... (نساء ۱۲۷)

ای پیامبر درباره زنان از تو نظر می‌خواهند بگو خدا درباره آنها نظر می‌دهد.

يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ... (یوسف ۴۲)

یوسف! ای راستگو! نظر بده ما را درباره هفت گاو فریه.

و از زبان ملکه سبا در قرآن مجید چنین می‌خوانیم:

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي... (نمل ۳۲)

گفت: ای گروه بزرگان! نظر دهید درباره کار من.

... يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ ... (یوسف ۴۳)

گفت: ای گروه بزرگان نظر دهید درباره رؤیای من.

... وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا (کهف ۲۲)

و از هیچ یک از ایشان درباره آنها نظر خواهی نکن.

... وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا... (مؤمنون ۲۷ و هود ۳۷)

و درباره کسانی که ستم روا داشته‌اند مرا مخاطب مساز.

... فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَا فِي أَنْفُسِنَا بِالْمَعْرُوفِ ... (بقره ۲۳۴ و ۲۴۰)

پس گناهی بر شما نیست در آنچه زنان درباره خود به نیکی انجام داده‌اند.

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ (حج ۳ و ۸)

و برخی از مردمان جدل می‌کنند درباره خدا بی هیچ دانشی.

الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ ... (غافر ۳۵ و ۵۶ و ۶۹)

آنان که جدل می‌کنند درباره آیات خدا بی هیچ توان استدلالی.

به (رعد ۱۳) و (لقمان ۲۰) و (اعراف ۷۱) هم نگاه کنید.

اینها نمونه‌هایی از آیاتی هستند که حرف جر «فی» به معنای «درباره» در متن آنها قرار گرفته است.

و اما نگاهی به شعر عرب بیفکنیم:

أ مَاكَانَ فِي قَيْسٍ مِنْ ابْنِ حَفِيظَةَ،

آیا درباره قیس از ابن حفیظه نبوده است؟ (آیا ابن حفیظه درباره قیس چنین نگفته است؟! (الآغانی،

ج ۳۱، ص ۲۴۸)

رَأَيْتَكَ فِي لَيْلِي كَذِي الدَّاءِ لَمْ يَجِدْ طَبِيبًا يُدَاوِي مَا بِهِ فَتَطَبَّبَا (الآغانی، ج ۲۱، ص ۲۶۵)

تو را می‌بینم که درباره لیلی بمانند صاحب دردی هستی که نیافته است

طیبی را که دردش را دواء نماید تا بهبودی یابد

«در» به معنای «درباره» در فرهنگ دهخدا:

باب، موضوع، مقوله، مبحث، بابت، امر

از این در سخن چند رانم همی همانا کرانش ندانم همی

فراوان از این در سخن‌ها بگفت فرستاده مانده ازو در شگفت



همی از تو خواهم یک امشب سپنج نیازم به چیزیت ازین در مرنج
از این در فراوان سخن یاد کرد تهی شد دل یوسف از خشم و درد

و از این نمونه‌ها در شعر پارسی هم بسیار است.

با استناد به مطالب پیش گفته نتایج زیر بدست می آید

- ۱- قرآن تدریجاً بر رسول گرامی اسلام نازل شده است.
- ۲- قرآن، یعنی تمامی آن، در یک دفعه نازل نشده است.
- ۳- قرآن دوبار فرود نیامده است. یک بار مفهوماً، و بار دیگر تدریجاً.
- ۴- «تنزیل» به فرود تدریجی قرآن، و «انزال» به سوره‌ها و یا مجموعه آیاتی که در یک بار نازل می‌گشته اطلاق می‌شود.
- ۵- قرآن، هم به یک آیه اطلاق می‌گردد، و هم به چند آیه، و هم به مجموع کتاب تماماً.
- ۶- «فی» در برخی موارد، به معنای «درباره» بکار برده می‌شود.
- ۷- بناءبراین حرف جرّ «فی» در آیه ۱۸۵ سوره بقره، به معنای «درباره» می‌باشد.
- ۸- حال معنای آیه چنین است؛

ماه رمضان که فرود آمده است «درباره» آن قرآن، (به معنای آیه‌یی از قرآن)، که این قرآن هدایت است برای مردمان و نشانه‌های روشنی است از هدایت و جداسازی (حق از باطل)

۹- در خصوص هیچ یک از ماههای دیگر، قرآن (آیه‌یی از آن یا چند آیه) نازل نشده است و تنها این امتیاز و برتری را به ماه رمضان داده است. حتی درباره ماه ذی الحجه آیه‌یی که آن را وصف نماید فرود نیامده است، با اینکه در نه آیه، کلمه «حَجّ» و در یک آیه لفظ «حَجّ» بکار رفته است.

۱۰- بر این شالوده، به صراحت می‌توان گفت، آغاز نزول قرآن در همان ۲۷ رجب بوده، و گرچه بخشهایی از آن در برخی از ماههای رمضان فرود آمده است، ولی این آیه هیچ دلالتی بر نزول دفعی قرآن در یکی از ماههای رمضان یا شبهای قدر ندارد.

برای تبیین بیشتر موضوع به مقاله‌یی که در خصوص لیالی قدر در سایت ارباب حکمت مندرج است نگاه کنید.

قدر انسان و شبهای قدر